



## منبر مکتوب با موضوع

### استراتژی زیبای امام صادق علیه السلام



استراتژی زیبای امام صادق علیه السلام

امام جعفر بن محمد علیهما السلام در مواجهه با خلفای جور مخصوصاً منصور عباسی دو نوع برخورد داشت که کاملاً در مقابل هم بنظر می رسد.

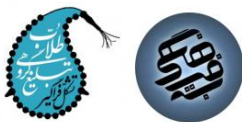
گاهی با لحن نرم و بطور ملایم با وی سخن گفته و در مقام تبرئه خویش برآمده - ۱

گاهی هم بی آنکه اقرار و اعترافی کند با شدت و تندى با آنان برخورد کرده است - 2

امام در عین حالیکه در برخی موارد خیلی ملایم صحبت می کند؛ مثلاً آنجا که به منصور می فرماید: به خدا سوگند « من این کار را نکرده ام ؛ من پیر شده و ضعیف و ناتوان گشته ام؛ می خواهی مرا در برخی از زندانهایت باز داشت کن تا مرگ من فرا رسد که چندان دور نیست

»... در مورد دیگر به منصور پیغام می فرستد: اگر دست از اذیت و آزار ما نکشی هر روز پنج نوبت تو را نفرین می کنم

حقیقت این برخورد دوگانه آن هم از سوی امام معصوم با منصور چیست؟



و وظیفه امروز شیعیان امام صادق باید کدام شیوه رفتاری از این دو باشد؟

در این بحث به قدر توان و فرصت به این نکته پرداخته شده است؛ هر چند برای پاسخ این سؤال مجالی بیش از این نیاز [1]. است

الف. اصل تقیه

یکی از اصول مهم عقیدتی شیعه تقیه است

شیخ مفید رحمه الله گوید

تقیّه، پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به حق و پنهانکاری با مخالفان حق و پشتیبانی کردن از آنان در آنچه ضرر « ضرورت تقیه» ظنّ قوی پیدا کنیم، تقیه واجب است و هرگاه ندانیم یا ظنّ قوی «دین و دنیا را در پی دارد. هرگاه به

(2). نداشته باشیم که آشکار گردیدن و نمودن حق ضروری است، تقیه واجب نیست

شیعه در مورد تقیه به ادله چهارگانه استناد دارد»

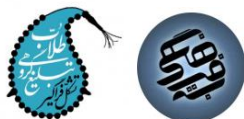
... لا يتخذ المومنون الكافرين اولياء... إلا أن تتقوا منهم تقه: از قرآن به عنوان نمونه

افراد با ایمان نباید بجای مومنان کافران رادوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با [خدا ندارد؛ مگر اینکه از آنها تقیه کنید (و بخاطر هدفهای مهمتری کتمان نمائید)]. ۳

خدای تعالی مطابق این آیه اجازه می دهد که مومنان به هنگام خوف بر جان خود و در مورد تقیه و ترس از شر و آسیب کافران تظاهر به دوستی آنان کنند تا بدین وسیله از خطر برهند... عقل هم بطور قطع حکم می کند که انسان در مواقع [4] «خطر تا اندازه که می تواند باید جان و مالش را از خطر نابودی حفظ کند و خویشان را از مهلکه نیندازد

امام جعفر صادق علیه السلام چون در فشار سیاسی عجیبی قرار داشتند و زیر ذره بین مأمورین حکومتی بسر می بردند در بسیاری از زمانها مجبور به تقیه می شدند. «تقیه در عصر امام جعفر صادق علیه السلام شروع نشده بلکه در روزگاران [5] «پیشتر هم وجود داشته است. حضرت امیرالمومنین علیه السلام بخش اعظم عمر خود را در تقیه گذرانده است

امام نه تنها عملا خود این سیره را داشتند که به شیعیان نیز توصیه می نمودند تا در برابر دستگاه جور تقیه نمایند. ایشان به یاران سفارش اکید داشتند که نه در گفتار و نه در رفتار عقیده خود را ابراز نمایند



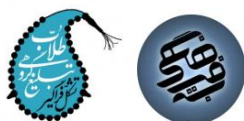
صیانت از خود و عقائد خود:

در دوران امامت امام صادق علیه السلام تنها در دهه سوم قرن هجری آزادی نسبی وجود داشت که حتی در همان « دهه نیز فعالیت های آن حضرت و شیعیان تحت کنترل بود، اما پیش از آن در دوران امویان و پس از آن به وسیله منصور عباسی شدیدترین فشارها علیه شیعیان اعمال می شد به طوری که جرأت هر گونه ابراز وجودی از آنها سلب شده بود... اصحاب امام به منظور صیانت خود از گزند منصور مجبور بودند به طور کامل تقیه نموده و مواظب باشند تا کوچکترین بی احتیاطی از آنان سر نزنند... تأکیدهای مکرر امام صادق علیه السلام بر تقیه خود دلیل آشکاری بر وجود چنین فشار سیاسی بود. خطر هجوم بر شیعه چنان نزدیک بود که امام برای حفظ آنان ترک تقیه را مساوی ترک نماز یا معلی! اکتف امرنا و لا :اعلام فرمود؛ از جمله امام به معلی بن خنیس که به دست حاکمان زمان خود کشته شد؛ فرمود...تذعه

ای معلا! اسرار ما را پنهان بدار و آن را به همه کس نگو خداوند کسی را که اسرار ما را پنهان داشته و آن را برملا نسازد، در دنیا عزیز می دارد. به هر حال روایاتی وجود دارد حاکی از این که شدت فشار به قدری بود که حتی شیعیان بدون اعتنا به همدیگر از کنار هم رد می شدند. در روایت دیگری درباره جاسوسان ابوجعفر منصور آمده: منصور در مدینه [6]. جاسوسانی داشت و آنها کسانی را که با شیعیان جعفر رفت و آمد داشتند گردن می زدند با توجه به نقل این روایات در جایی که حکومت وقت به شیعیان بلکه آنان که با شیعیان در ارتباط بودند هر چند خود شیعه نبودند اینگونه در خطر بودند تکلیف رهبر و امام شیعیان روشن است

ب. عدم تعادل رفتاری خلفای جور با امام

این عدم تعادل روحی بویژه در مورد منصور وارد شده است. «منصور هر چند که به نام خلیفه و سلطان بر سرزمینهای اسلامی پنجه انداخته است ولی خود می داند که صاحب بر حق این مقام، حضرت جعفر صادق علیه السلام است که دارای هر نوع فضیلتی می باشد و نیز می داند که اگر امام جعفر صادق علیه السلام بخواهد برای به دست آوردن حکومت به پا خیزد، او را توان مقاومت و ایستادگی در برابر امام نیست، از این رو می بینیم گاهی از تندگوئی ها و طعنه های امام چشم می پوشد چون نمی خواهد به نزاع و مشاجره ادامه دهد تا سرانجام امام تصمیم به مقاومت و مبارزه جدی بگیرد. اما شدت علاقه منصور به حکومت و سلطنت که چشم او را کور و گوشش را کر کرده بود گاهی او را می بنابراین هنگامی که امام .داشت که نسبت به امام اهانت و اسائه ادب کند و حتی قصد ریختن خون آن حضرت را نماید



احساس می کرد موقعیت نخستین است حق را به کمال و تمام آشکار می کرد. ولی موقعی که می دید منصور سر مست (7) «حکومت و جاه و مقام است برای دفع خطر و پیشگیری از تجاوزات او نرمش نشان می داد

:پی نوشت ها

صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام، علامه مظفر، ترجمه سید ابراهیم سیدعلوی، انتشارات قلم، چاپ ۱. اول، ص ۱۸۹

شرح عقائد الصدوق، شیخ مفید، ص ۲۲۴۱

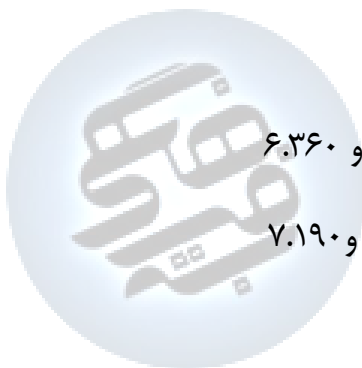
آیه ۲۸ سوره آل عمران، ترجمه آیت الله مکارم. ۳

صفحاتی از زندگانی امام صادق، مظفر، ص ۱۵۴ و ۴۱۵۵

همان، ص ۱۵۶. ۵

حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، صص ۳۵۹ و ۶۳۶۰

صفحاتی از زندگانی امام صادق، مظفر، ص ۱۸۹ و ۷۱۹۰



منبع: <https://www.menbarha.ir>

